
آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران در نظام حقوقی ایران

فتاح محمدی^۱، غلامحسین مسعود^۲، مسعود راعی^۳

چکیده

هر قدرت سیاسی پس از شکل‌گیری با آسیب‌های مختلفی از جمله آسیب‌های اخلاق سیاسی مواجه می‌باشد؛ لذا کارگزاران هر حکومت، اعم از دینی و غیردینی، به همان میزان که از منصب و اختیارات و امکانات حکومتی، برخوردارند؛ در معرض انواع آفات و آسیب‌ها نیز قرار دارند، که این آسیب‌ها، موجب کاهش اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی در سطح جامعه و در نتیجه مانع شکل‌گیری یک دستگاه قانون‌گذار پویا، کارآمد و توانمند در نظام حقوقی کشور می‌شود. لذا پژوهش حاضر با هدف تبیین موانع و آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران بر اساس نظام حقوقی ایران در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که، مهم‌ترین آسیب‌ها و آفات اخلاقی کارگزاران در نظام حقوقی ایران عبارت است از: سوء استفاده از موقعیت حاکمیتی، رشوه خواری و توصیه‌پذیری، کم‌کاری و عدم وجدان کاری، خودمحوری و استبداد رأی، خلف وعده‌های دروغین به مردم، تکبر و خودبزرگ بینی، روحیه سفاکی، امتیاز خواهی، ضعف مدیریت، جاه‌طلبی و چند شغلی بودن، جدایی میان زمامدان حکومت و مردم، خلط محبت، مدارا و اقتدار، انتقاد ناپذیری، تفرقه و عدم یکپارچگی، انحصار طلبی و احتکار، رفاه طلبی و گرایش به اشراف‌گری، ریاست طلبی و استبدادگرایی، کم‌توجهی به رفاه مردم و افشار آسیب‌پذیر می‌باشند.

کلمات کلیدی: اخلاق سیاسی، آسیب‌های اخلاقی، کارگزاران حکومتی، نظام حقوقی ایران

^۱ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه نجف آباد، ایران.

^۲ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول.

^۳ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه نجف آباد، ایران.

مقدمه

امروزه یکی از مهمترین مباحث انسانی در جهان، مسائل سیاسی و اخلاقی است. چرا که یک رویداد سیاسی ممکن است بر سرنوشت بسیاری از ملت‌ها تأثیر بگذارد و یک اندیشه نیز سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهد. به همین دلیل، خیر و صلاح ملت‌ها در این است که، با کم و کیف اندیشه‌ها و رویدادهای جهانی آشنا شوند (مسعودی و ساداتی‌زاده، ۱۳۹۴). در نگرش اسلامی و نیز در دیدگاه فیلسوفان الهی و نیز فیلسوفان قدیم یونان مانند: سقراط، افلاطون و ارسطو، سیاست راستین بر پایه اخلاق است که سعادت انسان را جستجو می‌کند و نظام سیاسی منهای اخلاق، سرنوشتی جز دیکتاتوری و فساد ندارد (مسعودی و ساداتی‌زاده، ۱۳۹۴). بنابراین رعایت اخلاق در عرصه سیاست، از مسائل و موضوعاتی است که روزبه روز اهمیت آن برای همگان آشکارتر می‌شود (مشکوری و صدرا، ۱۳۹۵). بر این اساس همه مکاتب و نظام‌های حقوقی درصدد بوده و هستند تا با پایه‌ریزی و تدوین یک نظام حقوقی عادلانه و کارآمد به ساماندهی مطلوب زندگی مدنی و سیاسی مردم بپردازند؛ اما گستره اختیارات کارگزاران در نظام‌های مختلف حکومتی، بسته به نوع حکومت یا رژیم سیاسی‌ای است که در هر کشور جریان دارد (شهیدزاده، ۱۳۷۷). بر طبق اصل اول قانون اساسی «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است»، و بر پایه ایمان به خدای یکتا، نقش بنیادی وحی الهی در بیان قوانین، معاد، قسط و عدل، امامت و رهبری مستمر، آزادی توأم با مسئولیت، نفی هر گونه ظلم و ستمگری استوار است (بندهای ۱ تا ۶ اصل ۲ قانون اساسی). در همین راستا دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را جهت ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و دیگر بندهای ذیل این اصل به کار برد (بندهای ۱ تا ۱۶ اصل سوم قانون اساسی و اصول دیگر فصل سوم قانون اساسی).

بدون شک حاکمان سیاسی و مدیران اجرایی یک نظام تأثیری شگرف در فرایند بهبودی و تغییر شرایط اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی و بین‌المللی جامعه دارند (رضایی، ۱۳۸۹) و به دلیل شأن و نقش مهمی که در جامعه دارند، همواره زیر نظر مردم یک جامعه هستند؛ به طوری که هرگونه رفتار، گفتار و کردار آنها در نحوه رفتارشان تأثیر مثبت و منفی در پی خواهد داشت (خان محمدی و کشاورزیان، ۱۳۹۴) زیرا آنان مدیران و مجریان خطوط کلی سیاست اجتماع می‌باشند و صلاح و فساد جامعه در گرو صلاح و فساد آنان خواهد بود (رضایی، ۱۳۸۹). بنابراین

با توجه به اینکه حاکمان و کارگزاران حکومت، از مناصب حکومتی و جایگاه مهمی در حکومت برخوردار بوده و در پی آن، امکانات مادی و معنوی، اختیارات، فرصت‌ها و توانایی‌هایی به واسطه انتصاب در حکومت، در اختیارشان قرار می‌گیرد (شریفی و فائق، ۱۳۹۵)، همواره در معرض گرفتارشدن به آفت‌های قدرت و سوء استفاده از موقعیت خویش هستند (خان محمدی و کشاورزین، ۱۳۹۴) که این امر موجب بروز تغییر و تحول‌های مثبت و منفی فراوانی در قوانین و مقررات شکلی و ماهوی حاکم بر کشور شده و مانع شکل‌گیری یک دستگاه قانون‌گذار پویا، کارآمد و توانمند در نظام حقوقی جمهوری اسلامی می‌شود (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵). از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی موانع و آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران حکومتی در نظام حقوقی ایران بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

اخلاق و سیاست از مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که بشر همواره در مسیر زندگی‌اش به آن محتاج بوده است. با کمی تعمق و غور در تاریخ بشر روشن می‌گردد که در ادوار مختلف، فرمانروایان و حاکمان با این دو مقولهٔ حیاتی به گونه‌ای متفاوت برخورد نموده‌اند به طوریکه پیامدهای آن جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است (مسعودی و ساداتی زاده، ۱۳۹۴). در نگاه ابتدایی، جمع اخلاق با سیاست ناممکن به نظر می‌رسد؛ زیرا اخلاق از فضایل، صفات و افعال حسنه سخن می‌گوید، در حالی که سیاست، دغدغه قدرت و اعمال سلطه در سر می‌پروراند. سیاست مدار در پی کسب، حفظ و توسعه قدرت و نیز تأمین خواست‌های نفسانی خویش است، در حالی که انسان اخلاقی با نگاه منفی به این امور، در اندیشه کسب فضایل و زدودن رذایل نفسانی است. در نگاه ثانوی به این دو موضوع می‌توان دریافت که چنین اختلافی را نمی‌توان لزوماً از ذاتیات این مبحث به شمار آورد، بلکه می‌توان با یک بازنگری در تعریف سیاست، اخلاق را در کانون سیاست جای داد. از این رو، سیاستی که بر محور اخلاق سرو سامان می‌یابد، «سیاست اخلاقی» نام دارد (وحیدی‌منش، ۱۳۸۷). اخلاق سیاسی^۱ قضاوت اخلاقی در مورد عمل سیاسی و مطالعه این عمل است، که به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- اخلاق اداری، که بر کارگزاران دولتی، روش‌هایی استفاده آنها و موسسات محل خدمت آنها متمرکز است؛ ۲ - سیاست اخلاقی (اخلاق و سیاست عمومی)، که بر قضاوت در مورد آن سیاست‌ها و قوانین

^۱ Political morality

دولت‌ها متمرکز است (تامپسون^۱، ۲۰۱۸). در تعریفی دیگر اخلاق سیاسی مجموعه‌ای از گزاره‌ها، افعال و مفاهیم اخلاقی است که حاصل و دستاورد سیاستمداران اخلاقی می‌باشد و با هدف تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر پایه اخلاق و عدالت صورت می‌گیرند و صبغه سیاسی و اجتماعی دارند، مانند قسط، عدل، انصاف و غیره (شریفی، ۱۳۸۴، ۲۰۳). اخلاق سیاسی با تحت تأثیر قرار دادن عملکرد، قابلیت و توانایی کارگزاران حکومتی در استحکام و تداوم قدرت در ابعاد مختلف و ایجاد ثبات و پیشرفت مادی و معنوی کشور و همچنین در ایجاد نفوذناپذیری و مقاومت علیه فشارهای بیرونی نقش اصلی و زیربنایی ایفا می‌کند (باقری چوکامی و حسینی، ۱۳۹۴). بنابراین، حاکمان و کارگزاران ذی صلاح باید تحت نظارت مستمر باشند تا صلاحیت آنان همواره بازبینی شود و با آسیب شناسی رفتار آنان، با متخلفان برخورد مناسب صورت پذیرد (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۹). به طور کلی حقوق تنها ناظر بر روابط خصوصی افراد در جامعه نیست بلکه روابط ملت را با دولت یا قدرت عمومی تنظیم می‌کند و اهداف، وظایف نهادهای اداری و سیاسی و تخلفات آنها را مد نظر قرار می‌دهد (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸۴، ۵۴). در نظام حقوقی ایران نیز مجموعه قواعدی که ناظر بر روابط فرمانروایان و فرمانبرداران و تنظیم کننده قدرت نابرابر آنان می‌باشد، در اصول دوم، سوم، دهم، چهاردهم، صد و بیست و یکم قانون اساسی عنوان شده است.

پیشینه پژوهش

در طول چهارده قرن تاریخ اسلام، کتب و مطالب فراوانی تدوین و نشر یافته که از اخلاق قدرتمندان به بحث پرداخته‌اند از جمله: قابوس‌نامه (۴۷۵ قمری)، سیرالملوک (سیاستنامه)، الاحکام السلطانیة، التبرالمسئول فی نصیحة الملوک، کلیله و دمنه، هزار و یک شب، جوامع الحکایات و.. نیز دارای مطالبی درباره اخلاق حاکمان و توصیه‌هایی به صاحبان قدرت هستند (مفتح، ۱۳۸۷). همچنین در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران انجام گرفته است اما تاکنون در زمینه موانع و آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران در نظام حقوقی ایران پژوهشی انجام نگرفته است که نشان دهنده ضعف پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌باشد. در این پژوهش به تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران اشاره می‌شود.

^۱ Thompson

شریفی و فائق (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "آسیب‌شناسی اخلاقی کارگزاران حکومت دینی در نهج‌البلاغه"، بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی را شامل: تکبر، دنیا دوستی، خشونت و ستمگری بیان کردند. خان-محمدی و کشاورزبان (۱۳۹۴) در پژوهشی اخلاق کارگزاران را از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی بررسی کردند. بر طبق نتایج حاصل از این پژوهش، توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی را می‌توان در سه نوع اخلاق فردی (ارتباط با خودش)، اخلاق اجتماعی (در ارتباط با مردم و جامعه) و اخلاق اداری (در ارتباط با نحوه تعامل با سایر همکاران و زیردستان و در ارتباط با نحوه انجام کار مطرح شده است) طبقه بندی کرد. راعی و فلاح سلوک‌لایی (۱۳۹۰) در پژوهشی آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام بررسی کردند. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، مجموع آسیب‌ها و آفت‌هایی که حاکمان و کارگزاران را تهدید می‌کند، در دو دسته اخلاقی حاکمیتی و اخلاقی شخصیتی تقسیم می‌شوند. آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: آسیب‌های ناشی از ذات قدرت و آسیب‌های ناشی از نحوه اعمال قدرت. آسیب ناشی از قدرت عبارتند از: سوء استفاده از موقعیت حاکمیتی، اشراف‌گری، کم‌توجهی به اقشار آسیب‌پذیر، ریاست طلبی، استبداد گرایی و استضعاف مردم و آسیب‌های ناشی از نحوه اعمال قدرت عبارتند از: باندبازی و خویشاوندسالاری، اختصاص دادن اموال و فرصت‌ها به نزدیکان، ضعف مدیریتی، عدم دسترسی مردم به حاکم و کارگزار، خلط محبت، مدارا و اقتدار و اصلی‌ترین آسیب‌های اخلاقی شخصیتی نیز عبارتند از: تکبر و خودبزرگ‌بینی، شکمبارگی و روحیه خون ریزی بناحق می‌باشد. سها (۱۳۸۹) در پژوهشی مهمترین اصول اخلاقی لازم برای کارگزاران را با استفاده از سخنان امام خمینی رحمه‌الله علیه شامل: تقوا، عدالت، امانت‌داری، تواضع، انتقادپذیری، عفو و احسان و اعتراف به گناه و اشتباه، احتیاط و مواظبت در امر بیت‌المال، ساده زیستی، اخلاص پرهیز از کم‌کاری بیان می‌کند. رضایی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران از منظر نهج‌البلاغه پرداخته است. با توجه نتایج این پژوهش، آسیب‌هایی که به بعد سلوک سیاسی کارگزاران مربوطند عبارتند از: ۱- قدرت طلبی؛ ۲- استبداد و خودکامگی؛ ۳- مدهانه و سازش-کاری؛ ۴- دروغ‌گویی و فریب‌کاری؛ ۵- ایجاد اختناق؛ ۶- عدم رعایت شایسته‌سالاری؛ رشوه خواری. اسمیت و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «اخلاق شهودی و جهت‌گیری‌های

^۱ Smith et al

سیاسی: آزمون اصول‌های اخلاقی به عنوان نظریه ایدئولوژی سیاسی» بیان کردند که، بر طبق نظریه اصول اخلاقی^۱ (MFT) نگرش‌های سیاسی ریشه در ارزیابی‌های غریزی ایجاد شده توسط پایه‌های اخلاقی ذاتی برای حل معضلات اجتماعی دارند. اگر این درست باشد، پایه‌های اخلاقی بایستی نسبتاً پایدار باشند، بر این اساس تغییرات در بنیادهای اخلاقی باید به طور سیستماتیک تغییرات ناشی از جهت‌گیری‌های سیاسی را پیش‌بینی کند و، از سوی دیگر حداقل، پایه‌های اخلاقی باید قابل انتقال باشند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی تحلیلی با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری از مقالات و کلیه متون و اسناد بالادستی و قواعد و قوانین مرتبط با موضوع اخلاق سیاسی در ارتباط با نظام حقوقی و تجربیات شخصی است. سعی شده که اطلاعات به دست آمده در این پژوهش به روش کیفی و به شیوه تحلیل محتوا به شکل مضمونی مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است، تا زوایای پنهان موضوع به وضوح آشکار گردد و در این روش علاوه بر توصیف عینی، منظم و دقیق خصوصیات موضوع و بیان اطلاعات و مطالب موجود راجع به آن تلاش می‌شود با ارائه راهکارهای مناسب در مورد سوالات مطروحه به تبیین و تحلیل مناسب موضوع درصدد کشف و حل و فصل موانع و مشکلات آن برآییم.

بحث و نتایج

نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول دینت اسلام، در راستای دستیابی به آرمان‌های اخلاقی شکل گرفته است و سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی). بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران کوششی در جهت تحقق بخشیدن به تئوری دولت اخلاقی می‌باشد. این دولت خواهان حاکمیت ارزش‌های اخلاقی هم در سطح جامعه و هم در سطح فردی به منظور ارتقای اخلاقی اجتماعی و ایجاد و استمرار بخشیدن به موازین و ارزش‌های اخلاقی در سطح ملی و عرضه آنها به سطح بین‌المللی می‌باشد (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۴). چرا که، جامعه‌ای که نظام درست اخلاقی در آن حاکم نباشد دچار ناهنجاری، آشفتنگی و آشوب خواهد شد (انصاری، ۱۳۸۹). بر طبق پژوهش‌های انجام

^۱ Testing moral foundations

شده، اخلاق سیاسی حاکمان و کارگزاران را می‌توان در دو نوع آسیب‌های اخلاق سیاسی برون حاکمیتی (اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی) و درون حاکمیتی (آسیب‌های ناشی از ذات قدرت، و آسیب‌های ناشی از نحوه اعمال قدرت) طبقه بندی کرد. براین اساس حاکمان و کارگزاران همواره در معرض گرفتارشدن به دو دسته آفت‌ها و آسیب‌های اخلاقی قرار دارند. در ادامه به بررسی مقوله آسیب‌های اخلاقی بر مبنای قوانین جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اخلاق سیاسی کارگزاران حکومت اسلامی می‌پردازیم.

آسیب‌های اخلاق سیاسی برون حاکمیتی

الف) آسیب‌های اخلاق سیاسی اجتماعی (قانون‌گریزی):

قانون‌گریزی (نظم‌گریزی) عبارت است از، سوء استفاده از اداره دولتی که هنجارهای رسمی و غیررسمی را زیر پا می‌گذارد تا به یک امتیاز غیرقانونی دست یابد، در حالیکه نمی‌توانست به صورت قانونی به آن دست یابد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶)، به عبارت دیگر قانون‌گریزی، تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طریق غیرقانونی (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶)، تجاوز به عنف و سوء استفاده از موقعیت خود برای سود شخصی می‌باشد (موسوی و پورکانی^۱، ۲۰۱۳) که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکالیف، گریز از مسؤلیت و رسیدن به مقصود به هر طریق ممکن است که می‌تواند ارکان سلامت روانی و اجتماعی جامعه را تهدید کند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴). به طور کلی در جامعه شناسی از قانون‌گریزی اداری به فساد اداری تعبیر می‌شود. فساد سیاسی اشاره به سوءاستفاده از قوانین و مؤسسات ملی برای ساختن احزاب سیاسی، دستگاه‌های سیاسی، و نیز کمک به سیاستمداران براس حفظ قدرت در نظام سیاسی کشور دارد (امین‌زاده^۲، ۲۰۱۵). با این وجود قانون اساسی جمهوری اسلامی آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران در زمینه فساد اداری را شامل: رشاء، ارتشاء، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری یا سیاسی، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی معرفی می‌کند (ماده ۱ اصل یکصد و بیست و سوم)^۳. که در زیر به بررسی آنها می‌پردازیم.

^۱ Mousavi & Pourkiani

^۲ Aminzade

^۳ عطف به نامه شماره ۲۸۶۱/۲۱۹۵۲ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۳ در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۷

۱- سوء استفاده از موقعیت حاکمیتی

سوء استفاده از موقعیت، در اسلام بسیار مذموم شمرده شده است؛ و عبارت است از، استفاده ویژه مسؤولان و کارگزاران حکومتی از امکانات عمومی و بسترسازی برای سوءاستفاده افراد مرتبط با آنان از اموال مسلمانان می باشد (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰). از نظر قرآن صاحبان قدرت و حاکمان باید دارای صلاحیت های گوناگون علمی و عملی و مهارتی و اجرایی، در کنار صلاحیت های باطنی و روانی و روحی باشند. از جمله مهمترین ویژگی های حاکمان و صاحبان قدرت می توان به ایمان (مائده، آیه ۵۵)، عبودیت و بندگی (انبیاء، آیه ۱۰۵)، عمل صالح (نور، آیه ۵۵)، عدالت و اقامه قسط (ص، آیه ۲۶؛ نساء، آیه ۱۳۵)، امانتداری (نساء، آیه ۵۸؛ یوسف، آیات ۵۴ و ۵۵)، تقوای الهی (اعراف، آیه ۱۲۸؛ یوسف، آیات ۵۶ و ۵۷)، دانایی و توانایی علمی (یوسف، آیه ۵۵)، توانایی جسمی (بقره، آیات ۲۴۶ و ۲۴۷)، اقامه کننده نماز (مائده، آیه ۵۵؛ حج، آیه ۴۱)، اقامه کننده زکات (همان)، مشورت پذیری و پرهیز از استبداد رای (آل عمران، آیه ۱۵۹؛ نمل، آیه ۳۲)، قاطعیت در اجرای پس از مشورت (آل عمران، آیه ۱۵۹)، توکل بر خدا (همان)، اهل احسان (یوسف، آیه ۵۶)، ترک هرگونه ظلم و سوء استفاده از قدرت (یوسف، آیات ۷۸ و ۷۹)، یاری مظلوم و ترک یاری ظالم (نساء، آیه ۷۵؛ قصص، آیه ۱۷) و مانند آنها اشاره کرد. از این آیات بصراحت به دست می آید که حاکمان نباید از قدرت خویش برای مقاصد نفسانی سوءاستفاده کنند؛ زیرا قدرت امانتی است که در اختیار آنان گذاشته شده تا با آن اهداف متعالی آفرینش و اجتماع انسانی تأمین شود؛ لذا برای صیانت از جایگاه مسئولین و ممانعت از فروافتادن در وادی ثروت اندوزی و فساد مالی اصل ۱۴۲ قانون اساسی را قرار داده اند که مقرر می دارد: دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد. براین اساس استفاده از موقعیت و جایگاه مدیریتی، سیاسی و رانت های دولتی و اطلاعاتی پیرامون مسائل اقتصادی جهت مال اندوزی، از آسیب هایی است که ممکن است مدیران و کارگزاران را تهدید نماید.

کمیسیون اجتماعی که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹ مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با اصلاح و تأیید آن مجمع در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ به پیوست ابلاغ می گردد.

۲- رشوه‌خواری و توصیه پذیری

رشوه، رد و بدل کردن پول یا دیگر مقاصد ثروت، در مقابل هر گونه سوء استفاده از اختیارات قانونی و دولتی در همه زمینه‌ها است (اکبری، ۱۳۷۶). از نظر قرآن همان طوری که پرداخت رشوه حرام است، گرفتن رشوه از سوی حاکمان و اولیای امور کشوری و قضایی و مانند آنها نیز حرام است (بقره، آیه ۱۸۸)^۱. چنانچه امام علی (ع) در تفسیر آیه «أَكْثَرُونَ لِلْسُّخْتِ» (سوره مائده، آیه ۴۲) می‌فرماید: حرام‌خوار کسی است که مشکل برادر دینی‌اش را برطرف می‌کند و سپس هدیه او را می‌پذیرد (بحار، ج ۱۰۴، ص ۲۷۳). لذا می‌توان رشوه‌خواری را از بزرگترین موانع اجرای عدالت اجتماعی به حساب آورد. چرا که رشوه‌خواری و توصیه پذیری، سبب می‌شوند قوانینی که قاعداً باید حافظ منافع قشر ضعیف جامعه باشد، به سود طبقات مرفه که باید قانون آنها را محدود کند بکار بیفتد (اکبری، ۱۳۷۶)، وجود بی‌انصافی و بی‌عدالتی در سازمان‌ها، زمینه پارتی‌بازی، رشوه‌خواری، بدگویی و به طور کلی عدم اعتماد را فراهم می‌کند و موجب می‌شود که افراد برای گرفتن پاداش بیش از حق خود به راه‌های غیرمعمول و نامطلوب متوسل شوند (کلهر، ۱۳۸۳). از این رو در نظام حقوقی ایران، بندهای ۵، ۶ و ۱۷ ماده ۸، قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت، فساد اخلاق سیاسی کارکنان را شامل: اختلاس (بند ۵)، اخاذی (بند ۶) و گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود (بند ۱۷)، بیان می‌کنند. لذا یکی از وظایف اصلی دولت این است که، «ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد» (قانون اساسی، اصل ۴۹).

۳- کم‌کاری و عدم وجدان کاری

^۱ «ولا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل وتدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم وانتم تعلمون؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است).»

وجدان کاری را می‌توان، تعهد در برابر کار و درست انجام دادن آن، تقوی در عمل، خود را مسؤول دانستن در برابر وظیفه (اکبری، ۱۳۷۶)، گرایش درونی انسان نسبت به انجام کار با کیفیت و کمیت مناسب و بالا، و بدون اسراف منابع (آقا پیروز و همکاران، ۱۳۸۳) و به طور کلی قضاوت خود درباره اعمال خود، تعریف کرد (کلهر، ۱۳۸۳). امروزه متاسفانه در بسیاری از اداره‌های کشور سستی و اهمال در انجام کارها به چشم می‌خورد (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۲). چنانچه گاهی بعضی از مسئولین و کارمندان اداری دیر به ادره می‌آیند و زود می‌روند (بند ۱۹، قانون تخلفات اداری)؛ موقعی هم که در اداره هستند به عناوین و بهانه‌های مختلف، مردم را پشت درهای بسته نگه می‌دارند. گاهی اتاق کار را ترک نموده و با دیگر همکاران مشغول سخن گفتن و وقت‌گذرانی می‌شوند و یا به بهانه جلسه و کمیسیون و ... از پذیرفتن مراجعین طفره می‌روند (اکبری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱). این رفتارها از علائم ضعف وجدان کاری به شمار می‌رود. لذا با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف هر دولتی تأمین رفاه و معیشت افراد جامعه و پیشرفت اقتصادی است (بند ۱۲، اصل سوم، قانون اساسی)، و تنها در سایه‌ی تقویت فرهنگ وجدان کاری و اتقان در کار است که اقتصاد کشور رشد و بهبود می‌یابد (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ می‌توان بیان کرد که، یکی از بدترین و زیانبارترین آفات زمامداران و کارگزاران حکومتی، کم-کاری و عدم وجدان کاری است، که موجب عقب افتادگی و کیفیت پایین تولیدات در کشور می‌باشد (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۲).

ب) آسیب‌های اخلاق سیاسی فردی

برخی از آسیب‌ها و آفت‌هایی که حاکمان و کارگزاران را تهدید می‌کند، آسیب‌هایی است که نه به ذات قدرت برمی‌گردند و نه به نحوه اعمال آن؛ بلکه از جهت شخصیتی به فرد حاکم و کارگزار برمی‌گردد؛ یعنی شخص حاکم، فارغ از قدرتی که دارد، دارای چنین خصوصیتی است (راعی و فلاح سلوکلاهی، ۱۳۹۰). این آسیب‌ها نیز شکل‌های گوناگونی دارد که تنها به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

۱- خودمحوری، خودرأی و استبداد در تصمیم‌گیری

خودمحوری، تحمیل نظرات خود به دیگران و توجه نکردن به نظرات دیگران است (میرسپاسی و همکاران، ۱۳۸۸). در متون و روایات اسلامی اساساً استبداد به رأی و اتکا به

نظرات فردی بدون مشارکت همگانی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است و عامل تباهی انسان معرفی شده است. برای در امان ماندن از این لغزشگاه، توصیه‌های فراوانی به مشورت و رایزنی با دیگران شده است (شیبانی، ۱۳۹۳). چنانچه خداوند متعال، در قرآن کریم شورا را مبنای اصلی سلوک و رفتار متقابل مردم دانسته است و می‌فرماید «و امرهم شوری بینهم، ای پیامبر در تصمیم‌گیری‌های همگانی با مردم مشورت کن» (شوری، آیه ۳۸). براین اساس در حکومت اسلامی باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند (صمیمی، ۱۳۸۹)، تا ضمن مشارکت مردم در امور خود موجب دقت عمل و تسریع در کارهای اجتماعی و غیره شده (قانون اساسی، اصل ۱۰۰) و همچنین راه خیره‌سری و خودمحوری و استبداد بر روی افراد بسته شود و با تعاطی افکار و برخورد اندیشه‌ها، هم زمینه تفاهم و ایجاد امنیت خاطر بین افراد فراهم آید و هم اینکه مناسب‌ترین تدبیر اتخاذ گردد (هاشمی، ۱۳۷۷). از این رو، بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش»، در مشاوره دولت با مردم و نمایندگان آنان تجلی می‌یابد (بند ۸، اصل سوم قانون اساسی). که موجب، پرهیز از تمرکز قدرت و روی آوردن به محیط اجتماعی، به منظور بهره‌جویی از استعدادهای خلاق مردمی، برای گشایش مشکلات و حل معضلات خود آنان می‌باشد (هاشمی، ۱۳۷۷).

۲- پیمان شکنی، خلف وعده و وعده‌های دروغین به مردم

وفای به عهد و پیمان (سازگاری حرف و عمل فرد) از نظر اسلام دارای چنان اهمیتی است که قرآن کریم در آیات متعددی، مسلمانان را به داشتن چنین خصلت و فضیلتی تشویق و ترغیب می‌کند و آن را از نشانه‌های مؤمنان می‌شمارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ (سوره صف، آیه ۲)؛ «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»، این عمل که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد (سوره صف، آیه ۳). همچنین پیامبر(ص) در روایتی به زیباترین شکل اهمیت وفای به عهد را می‌رساند و می‌فرماید: «کسی که به عهد و پیمان خود وفا نکند، دین ندارد» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۶۲). همچنین امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر فرمودند: مبدا و وعده‌ای بدهی و سپس تخلف کنی چون تخلف وعده موجب خشم خدا و مردم می‌شود (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

متأسفانه پیمان شکنی و خلف وعده، امروزه در اغلب انتخابات، در بین نامزدهای انتخاباتی مشاهده می‌شود نامزدها گاهی وعده‌هایی می‌دهند که اساساً در چارچوب وظایف و اختیارات پست مورد نظر نیست! چنانچه در بند پنجم سیاست‌های کلی انتخابات، دادن وعده‌های خارج از اختیارات قانونی «از سوی نامزدهای انتخاباتی ممنوع اعلام شده است (بند ۵، اصل ۱۱۰ قانون اساسی). بنابراین نامزدهای انتخاباتی باید کاری را وعده بدهند که می‌توانند آن را انجام دهند و وعده‌های سرخرمن به مردم ندهند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵). چرا که دادن وعده‌های توخالی به مردم از طرف دولتمردان، ویرانی زندگی جمعی، از هم کسب‌تنگی و پراکندگی، هرج و مرج، بی‌اعتمادی، دلسردی و بدبینی مردم نسبت به مسئولان را در پی خواهد داشت (اکبری، ۱۳۷۶؛ ورکشی، ۱۳۹۲؛ خان‌محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۴). بر این اساس پیمان شکنی، خلف وعده و وعده‌های دروغین به مردم از آسیب‌های جدی و خطرناک اخلاقی قدرت سیاسی برای حکومت به شمار می‌آید.

۳- تکبر و خودبزرگبینی

تکبر و خودبزرگبینی احساسی است که حاکم و کارگزار نسبت به خود و دیگران دارد و خود را برتر از دیگران دانسته، و همواره دیگران را فرمانبردار خود می‌داند و هیچگونه حق رأی و اظهار نظری برای مردم قائل نیست (راعی و فلاح سلوک‌لایی، ۱۳۹۰). لذا یکی دیگر از صفات ناپسند اخلاقی، که احتمال نفوذ آن در مسئولان و حاکمان زیاد است، «تکبر و غرور» است (شیبانی، ۱۳۹۳؛ راعی و فلاح سلوک‌لایی، ۱۳۹۰؛ ورکشی، ۱۳۹۲). چرا که تکبر و غرور موجب جدایی مردم از کارگزاران می‌شود (صمیمی، ۱۳۸۹). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ». (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد (لقمان، آیه ۱۸). بر این اساس، قانون اساسی با بیان تساوی افراد ملت صرف نظر از تمایزات نژادی، قومی و جنسی و تساوی عموم در مقابل قانون (بند ۱۴، اصل سوم قانون اساسی) مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (بند ۸، اصل سوم قانون اساسی) را شرط اساسی قلمداد نموده است. همچنین مکتب حقوقی اسلام با پذیرش حاکمیت اخلاق بر قانون، افق بسیار بلندی را در برابر حقوق می‌گشاید و حاکم را تنها در موضع واضح یا مجری قانون تعریف نمی‌کند، بلکه او را به عنوان خلیفه‌الله شناسایی

میکنند. لذا از او انتظار دارد که برای رسیدن به چنین هدف بلندی تلاش کند. از اینرو، تکبر از آن جهت در این نظام، مورد نکوهش واقع می‌شود که کاملاً در برابر هدف فوق، قرار دارد (راعی و فلاح سلوک‌لایی، ۱۳۹۰). اما وقتی افراد دارای شأن و قدرت برابر باشند قدرت‌های فردی محو می‌گردد و احاد جامعه قادر خواهند بود، از طریق مشارکت، در امور سیاسی جامعه مداخله نمایند (هاشمی، ۱۳۷۸).

آسیب‌های اخلاق سیاسی درون حاکمیتی

با مراجعه به متون دینی و شناسایی آفت‌ها و آسیب‌های فراروی حاکمان، می‌توان این آسیب‌ها را در دو بخش آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی و آسیب‌های اخلاقی شخصیتی، مورد مطالعه قرار داد. الف) آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی یکی از آسیب‌های فراروی حاکمان و کارگزاران، آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی و مدیریتی است. این آفت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) آسیب‌های ناشی از ذات قدرت

برخی از آسیب‌های سیاسی، ناشی از ذات قدرت و به عبارت دیگر، اقتضای قدرت است؛ یعنی اگر قدرت در دست انسان صالحی قرار نگیرد، بستر و زمینه فساد و سوءاستفاده را به وجود خواهد آورد و از همین روست که ائمه معصومین: و به ویژه امیرالمؤمنین تأکید فراوانی بر گزینش صحیح حاکمان و کارگزاران حکومتی و نظارت مستمر بر اعمال آنان دارند تا زمینه سوءاستفاده از قدرت از بین برود. آسیب‌های ناشی از ذات قدرت، به شکل‌های گوناگونی بروز می‌یابد که در ادامه به مهمترین و تأثیرگذارترین آنها اشاره می‌گردد.

۱- رفاه طلبی و گرایش به اشرافی‌گری

یکی دیگر از آسیب‌های حاکمیتی فراروی حاکمان و کارگزاران، آسیب‌های مالی و زیاده-خواهی آنان است که می‌توان از آن به اشرافی‌گری تعبیر کرد (راعی و فلاح سلوک‌لایی، ۱۳۹۰). تجمل‌گرایی، زراندوزی و تشریفات در اسلام سخت مورد نکوهش قرار گرفته و از اسراف و تبذیر به زشتی یاد شده است (شیبانی، ۱۳۹۳). تجمل‌گرایی از دیدگاه حضرت امام (رحمة الله) بدان معنا است که زندگی متولیان امور جامعه، متفاوت از توده مردم و دارای امتیازهای ویژه‌ای باشد و با سوء استفاده از مقام، ثروت‌اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قایل شوند

(صمیمی، ۱۳۸۹). چنانچه بر طبق بند نهم از اصل سوم قانون اساسی «دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می باشد». چرا که، هرکس به امکانات زیاد دسترسی پیدا کند، روح رفاه طلبی و تجمل‌گرایی در او زنده می‌شود؛ که مانع بسیاری از خدماتی است که مدیران جامعه می‌توانند برای توده‌های مردم انجام دهند (طاهری و حیدری‌هایی، ۱۳۸۶). بنابراین حاکم اسلامی و مسئولین مسلمان به منظور پیوند حقیقی با مردم مستلزم حضور در میان آنان و دور شدن از سطح متوسط زندگی آنان است. همچنین وی باید ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیر ضروری، را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده و در همه ی امور، اعتزاز اسلام را به عنوان چشم انداز خود بداند (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۴)، و در نهایت سه عنصر عدالت، معنویت و عقلانیت را همواره به عنوان مبنا و معیار همه‌ی امور مد نظر واقع شود (خان‌محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۴).

۲- ریاست طلبی، استبدادگرایی و استضعاف مردم

یکی از بدترین و زیانبارترین آفات حکومت و سیاست ریاست طلبی، قدرت‌طلبی، استبدادگرایی و استضعاف مردم، است که، زمینه‌های زیادی جهت انحراف حاکمان در خود دارد (شیبانی، ۱۳۹۳). این آسیب موجب خواهد شد که حکومت، از عقلانیت و منطق جدا شده و روحیه قدرت‌طلبی و به استضعاف کشیدن مردم روز به روز تقویت شود (راعی و فلاح سلوکلابی، ۱۳۹۰). بنابراین حاکمی که با حيله و مکر یا با زور و تهدید و قهر و غلبه سر کار آید، چون زمام امور را در دست گیرد، مستبدانه حکومت کرده و مردم را به استضعاف می-کشاند و مردم هم چاره‌ای جز اطاعت ندارند (راعی و فلاح سلوکلابی، ۱۳۹۰). چنان‌که، خداوند متعال، در قرآن کریم اشاره نموده که فرعون (برای ادامه خودکامگی خود) قوم خویش را فرومایه و ناآگاه بار آورد (و آنان را در سطح پائینی از فرهنگ و رشد فکری نگاه داشت) و ایشان هم از او فرمانبرداری و پیروی کردند. آنان قومی فاسق (و خارج از اطاعت فرمان خدا و حکم عقل) بودند^۱ (سوره زخرف، آیه ۵۴). بنابراین قرآن کریم ضمن توجه‌دادن به این نکته، نقش مردم در پذیرش این روش غلط به دلیل تخلف از عقل و فطرت را یادآوری کرده و بیان می‌کند که عذر مردم پذیرفته نیست؛ زیرا می‌توانند با بالابردن سطح آگاهی خود، مانع از اعمال

^۱ "فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ" (سوره زخرف، آیه ۵۴).

حاکمیت غلط حاکمان مستبد شوند (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰). برای این اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مقام مقابله با انحرافات و خودسری‌های حکومتی، «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در تمام زمینه‌ها را با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» مقرر می‌دارد (بند دوم اصل سوم قانون اساسی). چرا که رشد فکری از لوازم و مقدمات ضروری حکومت‌های مردمی است. مطلوبیت این نوع حکومت‌ها موکول به مسئولیت-پذیری متفکرانه افراد جامعه می‌باشد (هاشمی، ۱۳۷۸).

۳- کم توجهی به رفاه مردم و اقشار آسیب‌پذیر

یکی از لوازم کارآمدی حکومت‌ها ایجاد آسایش و رفاه در زندگی مردم است^۱ و بدون فراهم ساختن رفاه و آسایش حداقل، نباید از مردم انتظار داشت که حامی و پشتیبان یک حکومت باشند (خالقی، ۱۳۸۱). بر همین اساس امام خمینی (ره) خطاب به دولتمردان می‌گوید: «همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید... اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما، ستم پیشگان پست‌ها رو اشغال می‌نمایند. بنابراین حقیقت ملموس، باید در جهت جلب نظر ملت کوشش کرد» (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۲۶). بنابراین یکی از سیاست‌های اصلی دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه» (بند ۱۲، اصل سوم، قانون اساسی) از طریق انفال^۲ و ثروت‌های عمومی می‌باشد (قانون اساسی، اصل ۴۵). چنانچه امیرالمؤمنین در موارد متعدد، مدیران و کارگزاران را به توجه بیشتر به قشر آسیب‌پذیر و تأمین خواسته‌های آنان و سر و ساماندادن به زندگی آنان توصیه کرده‌اند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین کم‌توجهی به محرومان و نادیده گرفتن خواسته‌های آنان و نیز برخورد ناشایست با آنان از آسیب‌هایی است که ممکن است مدیران و کارگزاران را تهدید نماید.

^۱ نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۲۹.

^۲ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه خداوند از اهل آبادی‌ها به رسول خود بازگرداند از آن خدا و از آن پیامبر و ذی القربى و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا در میان توانگران شما دست به دست نگردهد» (سوره حشر، آیات ۷).

ب) آسیب‌های ناشی از نحوه اعمال قدرت

برخی از آسیب‌هایی که حاکمان و کارگزاران را تهدید می‌کند، ناشی از ذات قدرت نیست، بلکه ناشی از نحوه اعمال قدرت است. در این صورت هم اگر قدرت در دست انسان صالحی قرار نگیرد، زمینه فساد و سوء استفاده حاکم و کارگزار از قدرت فراهم می‌شود. از اینرو، راه پیشگیری و درمان این آسیب‌ها، نظارت دقیق بر عملکرد حاکمان و مدیران است. این آسیب‌ها به شکل‌های گوناگونی بروز می‌یابد که در ادامه به مهمترین و تأثیرگذارترین آنها اشاره می‌گردد.

۱- باندبازی و خویشاوندسالاری

یکی از مهمترین مسائل در عرصه حکومت و مدیریت کشور، رعایت اهلیت و شایسته سالاری^۱ در انتخاب افراد و واگذاری مسئولیت به آنان است؛ چرا که، کسی که عهده‌دار مسئولیتی می‌گردد و در مسندی از امور قرار می‌گیرد باید شایستگی‌های لازم برای احراز آن مسئولیت را دارا باشد (رضایی، ۱۳۸۹). چنان که در منطوق قرآن کریم، منصب‌ها و مسئولیت‌ها، امانت‌هایی به شمار می‌آیند که باید به اهلس و اگذار شوند^۲ (سوره النساء، آیه ۵۸). براین اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است که، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» (اصل نوزدهم، قانون اساسی). لذا «در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است، براساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند» (هزاه ئی، ۱۳۵۹؛ مقدمه قانون اساسی). بنابراین دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص، در رشته‌های مختلفه موفق نخواهد شد، و دولتمردان باید در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آن‌ها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف‌شنوی بی‌تفکر و تأمل (صمیمی، ۱۳۸۹). بنابراین یکی از آسیب‌های حاکمیتی که اسلام به شدت با آن مخالف است، عدم شایسته سالاری و مقدم دانستن قبیله-

^۱ Meritocracy

^۲ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها؛ همانان خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به اهل آن واگذار کنید» (سوره النساء، آیه ۵۸).

گرایی، باندبازی، جناحگرایی، حزبگرایی و خویشاوندسالاری است (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰)؛ که موجب بی توجهی به تخصص گرایی و حقوق مردم و جامعه، ناکامی در خدمت به کشور می‌شود (صمیمی، ۱۳۸۹)، همچنین، کارهای اساسی حکومت را از محور خود خارج و زمینه عقبگرد و سقوط جامعه را فراهم می‌کند (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰).

۲- اختصاص دادن اموال و فرصت‌ها به نزدیکان (امتیاز خواهی)

عدالت خواهی سرآمد حقوق فطری انسان‌ها در تمام زمینه‌هاست (هاشمی، ۱۳۷۷). حضرت امام خمینی (ره) با تأکید بر رعایت عدالت از سوی دولت‌مردان، می‌فرماید: «برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی به وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آن‌ها دارند» (صمیمی، ۱۳۸۹)؛ و همچنین ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی است (قانون اساسی، بند ۹، اصل سوم). بر این اساس زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات‌ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا عادلانه رفتار نخواهد کرد و ممکن است اعوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید و بیت‌المال را صرف اغراض شخصی و هوس‌رانی خویش کند (هاشمی، ۱۳۷۷). بنابراین، یکی دیگر از آسیب‌های جدی و مهمی که ممکن است گریبان‌گیر حاکمان و کارگزاران شود؛ اختصاص دادن اموال و فرصت‌ها به نزدیکان و نادیده گرفتن عدالت است (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰).

۳- ضعف مدیریت

یکی از راه‌های آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی و اجتماعی ضعف مدیریت زمامداران و کارگزاران حکومتی و ناتوانی آن‌ها در اداره امور جاری کشور است (طاهری و حیدری‌هایی، ۱۳۸۶). ضعف مدیریت، ممکن است به دلیل نداشتن آموزش‌های دینی لازم و یا فقدان تناسب بین فرد و مسؤلیت مورد نظر باشد (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰) بنابراین ممکن است شخصی به لحاظ اخلاقی و اعتقادی در حد مطلوبی باشد، اما در اداره امور جامعه ناتوان باشد (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰). از اینرو کسی که مسئولیتی را می‌پذیرد در قبال انجام امور مربوطه مسئول است (قانون اساسی، بند ۶ اصل دوم) چونکه، سپردن مسؤلیت به افراد ناتوان، ضایع کردن امور جامعه و نادیده گرفتن حقوق مردم خواهد بود (راعی و فلاح سلوکلائی،

۱۳۹۰). چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (یوسف، آیه ۵۵). براین اساس اخلاق کاری ایجاب می‌کند، تا امانت را به اهلش بسپاریم^۱، اگر در محیط کار و یا خارج از آن افراد با قابلیت تر از ما وجود دارد، با ملحوظ کردن اخلاق کار، آن فرد باید برای احراز پست معرفی شود (کلههر، ۱۳۸۳). بنابراین مسئولین باید با تعامل، وحدت و همکاری هم در سطح بالا و هم در سطح میانه بر اولویت‌های کشور تمرکز داشته باشند مسائل اصلی را جلو بیندازند سرگرم مسائل فرعی و حاشیه‌ای نشوند و کار و تلاش بی‌وقفه انجام دهند (بانکی‌پور، ۱۳۹۴). چون که، عدم تشخیص اولویت‌ها و پرداختن به امور غیر ضروری و حاشیه‌ای موجب می‌شود کارگزاران و مدیران از انجام وظایف اصلی خویش باز ماند (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰).

۴- جاه‌طلبی و چندشغلی بودن کارگزاران

بر طبق نظر علمای اخلاق، مقام‌خواه و جاه‌طلب کسی است که، در فکر تسخیر دل‌های مردم، برای کسب موقعیت اجتماعی و قدرت است تا از این طریق، به اهداف و اغراض دنیوی خود دست یابد (ورکشی، ۱۳۹۲). در قرآن^۲ و روایات اسلامی^۳، جاه‌طلبی و شهرت‌خواهی مورد سرزنش و مذمت فراوان قرار گرفته است به طوریکه آن را منشأ کفر، نفاق، ریاکاری و هلاکت دانسته‌اند (ورکشی، ۱۳۹۲). نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر تأکید کرده و به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت و فسادهای ناشی از آن، خطوط اصلی نظام سیاسی و اداری

^۱ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها؛ همانان خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به اهل آن واگذار کنید» (سوره النساء، آیه ۵۸).

^۲ در قرآن کریم می‌خوانیم: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيْنَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ»؛ (سوره هود ۱۵-۱۶): کسانی که طالب تعیش مادی و زینت و شهوات دنیوی هستند ما مزد سعی آنها را در کار دنیا کاملاً می‌دهیم و هیچ‌از اجر عملشان کم نخواهد شد. ولی در آخرت جز آتش سهمی نخواهند داشت.

^۳ همچنین امام علی (ع) قدرت سیاسی را به پستان شتر و افراد جاه طلب را به دوشندگان این پستان تشبیه می‌کند این تشبیه جالبی است؛ چون شخصی که مشغول به دوشیدن پستان شتر است تا مادامی که شیر در پستان شتر باشد، دوشیدن را رها نمی‌کند. همچنین افراد جاه طلب نیز به کرسی قدرت می‌چسبند و قدرت را رها نمی‌کنند تا مادامی که برایشان سودی وجود دارد

کشور را مبتنی بر تفکیک قوای بیان کرده است (قانون اساسی، اصل ۵۷). چرا که، سپردن مشاغل متعدد به مسئولان یکی از عوامل مهمی است که خطر فساد اداری را به دنبال می‌آورد. به همین جهت اصل ممنوعیت جمع مشاغل سیاسی و یا ممنوعیت جمع مشاغل اداری^۱ در حقوق اساسی و اداری کشور مقرر شده است (هاشمی، ۱۳۷۷). بنابراین جاه‌طلبی و چندشغلی بودند نیز یکی از آسیب‌های اخلاق حاکمیتی ناشی از اعمال قدرت است که ممکن است مدیران و کارگزاران را تهدید نماید.

۵- جدایی میان زمامداران حکومت و مردم

یکی دیگر از آسیب‌های حاکمیتی، وجود فاصله میان زمامداران حکومت و مردم است. زمامداران باید برخاسته از میان مردم و منتخب واقعی آنان باشند و بر اساس توقعات و تمایلات ملت، دلسوزانه حکمرانی کنند، و منافع ملی را نسبت به منافع شخصی در اولویت قرار دهند (هاشمی، ۱۳۷۸)، زیرا در یک جو حاکی از اختناق، زمامداران غیر مردمی، به دور از هرگونه نظارت دلسوزانه، منافع کشور را در اختیار بیگانگان قرار می‌دهند (قانون اساسی، اصل نهم). لذا با توجه به اینکه مؤثرترین راه آسیب‌پذیری نظام، نفوذ خیانتکاران در سیستم کارگزاری و نظام اجرایی کشور است (طاهری و حیدری‌هایی، ۱۳۸۶)، و با توجه به اینکه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حقوق مردم امانتی از سوی خدا در دست زمام‌داران جامعه است، و آنان موظف‌اند با تمام وجود از این امانت حفاظت کنند^۲ (قانون اساسی، اصل ۶۷)، می‌توان بیان کرد که، سرچشمه همه گرفتاری‌ها در کشور، جدایی میان مردم و مسئولان می‌باشد (صمیمی،

^۱ اصل یکصد و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است».

^۲ خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و آنیزا در امانت‌های خود خیانت نوزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد]^۳ (سوره انفال، آیه ۲۷). همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به مردم، و رسواترین دغلكاری، دغلبازی با رهبران و امامان است (طاهری و حیدری‌هایی، ۱۳۸۶).

۱۳۸۹، به نقل از حضرت امام خمینی(ره)). این امر، موجب عدم تشخیص درست حق و باطل می شود و باعث بدبینی مردم به کارگزار و اصل نظام و حکومت، و نیز موجب شکاف عمیق میان مردم و حکومت می گردد (طاهری و حیدری‌هایی، ۱۳۸۶). لذا تا این مشکل را خود دولت‌ها رفع نکنند، روی سعادت را نخواهند دید و همیشه گرفتار دست خیانت‌کاران و اجانب خواهند بود (صمیمی، ۱۳۸۹). از اینرو، با رعایت اصل عدم احتجاب، رابطه حاکم و مردم اصلاح شده و زمینه پاسخگو بودن، انتقادپذیری و آشناسدن با مشکلات مردم و شهروندان، فراهم می‌گردد (راعی و فلاح سلوکلائی، ۱۳۹۰).

۶- خلط محبت، مدارا و اقتدار

رفق و مدارا یکی از ابزارهای لازم و ضروری برای مدیریت و رهبری است که تأثیر بسیار شگرفی در پیوند دل‌های مردم دارد (آقایپروز و همکاران، ۱۳۸۳). چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم دلیل اصلی این نفوذ عمیق پیامبر (ص) در دل‌های مردم را مدارا و ملایمت آن حضرت نسبت به مردم دانسته است (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)^۱. در متون و منابع غنی اسلام گرچه تأکید و سفارش ویژه‌ای نسبت به رفق و مدارا در تعامل با مردم کرده‌اند، اما خود رهبران (ع) نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که رفق و مدارا و ملایمت در برخورد با مردم به ویژه کارکنان و زیر دستان، به هیچ وجه مطلق و همیشگی نیست، بلکه مسئله‌ای است که نسبت به اقتضائات و شرایط مختلف ممکن است تفاوت کند (آقایپروز و همکاران، ۱۳۸۳). حضرت علی (ع) در سفارش خود به یکی از کارگزاران خود در مورد نحوه برخورد و تعامل با مردم می‌فرماید: در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن؛ اما آنجایی که جز با شدت عمل کار از پیش نمی‌رود، شدت عمل را به کار بند (نهج‌البلاغه نامه ۴۶). خداوند متعال نیز در برخورد با مردم، هم لطف و رحمت و محبت دارد، و هم شدت و تندی عذاب؛ از یک طرف در مورد خودش می‌فرماید: «كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِيهِ الرَّحْمَةَ» یعنی رحمت را بر خود واجب کرده است (سوره انعام، آیه ۱۲)؛ و از طرف دیگر می‌فرماید: «إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» یعنی همانا عذاب من بسیار سخت است (سوره ابراهیم، آیه ۷). بنابراین سیاست رفق و مدارا در صورتی مطلوب و منطقی است که مورد سوء

^۱ قَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۗ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۗ مَرَحْمَتِ خَدَا بُوْدُ كَهْ بَا خَلْقِ مَهْرَبَانَ
گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند

استفاده قرار نگیرد؛ و در صورتی که از این سیاست سوء استفاده شود، سیاست شدت عمل و دوری از رفق و مدارا ضرورت می‌یابد و به عنوان یک اصل کلی در تعاملات اجتماعی مورد تأیید است (آقایپروز و همکاران، ۱۳۸۳). بنابراین، عدم تشخیص مرز محبت و مدارا و یا برخورد کردن و یا غلبه هوی و هوس بر حاکم و یا سایر رذایل اخلاقی از آسیب‌هایی است که حاکمیت با آن مواجه است (راعی و فلاح سلوکلاهی، ۱۳۹۰).

۷- انتقاد ناپذیری

در فرهنگ لغت آکسفورد انتقاد^۱ به معنای عیب‌جویی و آشکار کردن عیوب است (اسلامپور، ۱۳۸۸). از آنجایی که در نقد و انتقاد تلاش می‌شود تا کارهای خوب از بد جداسازی و مشخص شود نیازمند نظارت دائمی است. حاکم انتقاد ناپذیر ضمن اینکه خود را از نظارت مردم محروم ساخته است از ضعف‌های مدیریتی خود هم بی‌خبر می‌ماند (ورکشی، ۱۳۹۲). چنانچه از نظر اجتماعی «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» (قانون اساسی، اصل هشتم)، که در این مشارکت ارشادی مردم قادر خواهند بود سهمی اساسی در نظارت بر اعمال دولت و سالم سازی جامعه بر عهده داشته باشند (هاشمی، ۱۳۷۷). بنابراین فرار از تذکرات، نصایح و انتقادات خیرخواهانه سبب می‌شود که مدیران از پیشنهادات و نظرات برتر و سازنده محروم بمانند؛ چه بسا زبردستانی که به اندیشه‌ها و نظرات ارزشمندی دست می‌یابند، اما به جهت بدخلقی و خیره سری مدیران، از بازگو کردن آنان خودداری می‌کنند؛ در نتیجه سازمان از نظر کارایی و رشد کمی و کیفی با مشکل روبرو خواهد شد. بنابراین بر مدیران لازم است که نه تنها مانع انتقاد زبردستان نشوند، بلکه آنها را تشویق کنند تا بدون پنهان‌کاری و ترس، انتقادات و نظرات خویش را ابراز نمایند (آقایپروز و همکاران، ۱۳۸۳). چونکه با انتقاد سازنده و سالم است که عیوب افراد و مدیران و کارگزاران، شناسایی، رفع و دفع شده و همین امر است که اصلاح، تکامل و پیشرفت جامعه را به بار می‌آورد (فیض‌کاشانی، بی‌تا). بنابراین یکی دیگر از آسیب‌های حاکمیتی، انتقاد ناپذیری مسئولان و کارگزاران است.

۸- تفرقه و عدم یکپارچگی کارگزاران حکومت

^۱ cricitidm

اختلاف و درگیری و نزاع باعث هدر رفتن نیرو و امکانات جامعه می شود. جامعه‌ای که دچار تفرقه بشود، هیچ گاه در رسیدن به آرمان‌ها و برنامه‌های خود موفق نخواهد بود. حضرت علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه از تفرقه نهی می‌فرماید و تک روی را موجب خروج از سازمان اسلامی می‌داند (آقایپور و همکاران، ۱۳۸۳). همچنین اندیشمندان علوم سیاسی وحدت ملی را از ارکان قدرت سیاسی دانسته‌اند که از چگونگی واکنش مردم در دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور حکایت می‌کند (رئیس‌الساداتی و همکاران، ۱۳۹۶). چنان چه، خداوند متعال در قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که به ریسمان الهی چنگ زده و دچار تفرقه نشوند^۱ (آل عمران، آیه ۱۰۳). و بیان می‌کند که با یکدیگر نزاع نکنید تا سست شوید و ابهت و توان شما از بین برود^۲ (انفال، آیه ۴۶). برای این اساس در قانون اساسی توجه ویژه‌ای به مقولاتی چون اتحاد و انسجام اسلامی شده است. به عنوان مثال اصل یازده قانون اساسی به اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام، اصل یکصد و پنجاه و دوم به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان اسلام و اصل سوم به تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان اشاره می‌شود. علاوه بر این اصول ۱۹، ۱۵، ۴۸ و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق اقلیتها در ایران و در راستای اتحاد و انسجام ملی میبایشد. بر طبق اصول مذکور کارگزاران باید با افراد مافوق، هم رده و زیردست در انجام امور هم زبان، هم دل، دارای نیت های الهی یکسان و هم گام باشد می‌شود (خان‌محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۴)، چون که همدلی و وحدت میان دولت‌مردان موجب کارآمدی بهتر دولت می‌شود (صمیمی، ۱۳۸۹). در غیر این صورت هرج و مرج ایجاد شده که سبب ایجاد آسیب های داخلی و خارجی (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۰۶) و تحقق نیافتن اهداف نظام اسلامی می‌شود (خان‌محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۴).

۹- انحصار طلبی و احتکار

احتکار حبس و انبار کردن، احتیاجات ضروری عامه، به قصد گرانی، در زمان کمبود کالا، ایجاد تنگی معیشت است (ایزدی فرد و علیزاده، ۱۳۹۵)، که موجب افزایش تقاضا بر عرضه، پیدایش تورم و افزایش صعودی قیمت‌ها می‌گردد (موسوی بجنوردی و مهدیان کرانی، ۱۳۹۴). احتکار امروز رواج بسیاری دارد و اسلام آن را منع نموده است (موسوی بجنوردی و مهدیان

^۱ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

^۲ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحَكُمْ

کرانی، ۱۳۹۴). چنان چه پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: هر کس بیش از چهل روز احتکار کند، بوی بهشت، که از مسافت پانصد سال به مشام می‌رسد، بی‌تردید بر او حرام است^۱ (ری شهری، ۱۳۹۲). همچنین در روایتی دیگر امام علی (ع) می‌فرماید: هر احتکاری که به مردم زیان رساند و نرخ‌ها را بالا برد خیر و برکتی ندارد^۲ (ری شهری، ۱۳۹۲). براین اساس، نظام حقوقی ایران اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام را منع کرده است (قانون اساسی، بند ۵، اصل چهل سوم). بنابراین شکی نیست که احتکار اگر به قصد اضرار به مسلمانان و یا موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی آنان شود حرام است (نجفی، ۱۳۷۴) البته نه به عنوان احتکار بلکه به عنوان ثانوی که همان حرمت اضرار به مسلمانان یا حرمت ایجاد اختلال در نظام زندگی آنان است (نجفی، ۱۳۷۴).

نتیجه گیری

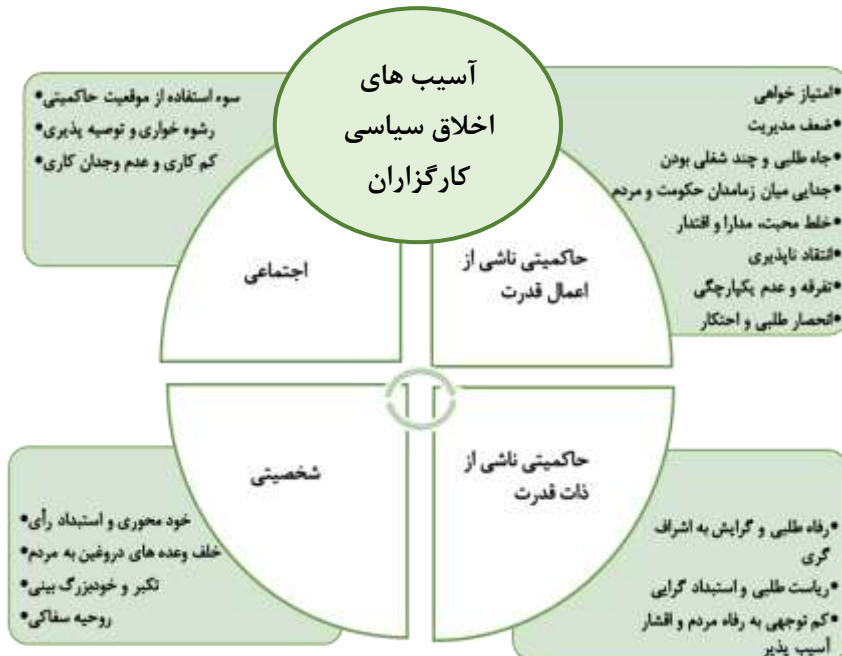
بدون شک هر قدرت سیاسی پس از شکل‌گیری با آسیب‌های مختلفی از جمله آسیب‌های اخلاقی مواجه می‌باشد؛ در نظام حقوقی ایران فساد هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نمایند^۳. لذا براساس نظام حقوقی ایران مجموع آسیب‌ها و آفت‌هایی که حاکمان و کارگزاران را تهدید می‌کند، را می‌توان به دو دسته آسیب‌های اخلاق سیاسی برون حاکمیتی و درون حاکمیتی تقسیم می‌شوند. آسیب‌های اخلاقی برون حاکمیتی شامل: آسیب‌های اخلاق سیاسی اجتماعی (سوء استفاده از موقعیت حاکمیتی، رشوه خواری و توصیه پذیری، کم‌کاری و عدم وجدان کاری) و آسیب‌های اخلاق سیاسی فردی (خود محوری و استبداد رأی، خلف وعده‌های دروغین به مردم، تکبر و خودبزرگ بینی، روحیه سفاکی) می‌باشند. علاوه براین، آسیب‌های اخلاقی درون حاکمیتی نیز به دو دسته آسیب‌های ناشی از اعمال قدرت (امتیاز خواهی، ضعف مدیریت، جاه طلبی و چند شغلی بودن، جدایی میان

^۱ «مَنْ احْتَكَرَ فَوْقَ اَرْبَعِينَ يَوْمًا ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ ، وَ إِنَّهُ لَحَرَامٌ عَلَيْهِ»

^۲ «كُلُّ حَكْرَةٍ تَضُرُّ بِالنَّاسِ وَ تُغْلَى السَّعْرُ عَلَيْهِمْ فَلَا خَيْرَ فِيهَا»

^۳ اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی

زامندان حکومت و مردم، خلط محبت، مدارا و اقتدار، انتقاد ناپذیری، تفرقه و عدم یکپارچگی، انحصار طلبی و احتکار) و آسیب‌های ناشی از ذات قدرت (رفاه طلبی و گرایش به اشراف‌گری، ریاست طلبی و استبداد گرایی، کم توجهی به رفاه مردم و اقشار آسیب پذیر) تقسیم می‌شوند. بر این اساس مدل نهایی پژوهش به صورت زیر خواهد بود (شکل ۱).



شکل ۱- مدل استخراج شده از آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران در نظام حقوقی ایران

از آنجایی که رعایت اخلاق چه در شکل شخصی و چه اجتماعی، به عنوان یک اصل اساسی در نظام مدیریت اسلامی مطرح می‌باشد و از نگاه اسلام بین «سیاست» و «اخلاق» ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ اصلاح اخلاقی به عنوان غایت سیاست شمرده شده است (ورکشی، ۱۳۹۲). لذا برای جلوگیری از آسیب‌های اخلاق سیاسی کارگزاران در نظام حقوقی ایران می‌توان راهکارهای زیر را ارائه نمود:

تقویت نظارت درونی (تقوا) و نظارت اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)؛ نهاد سازی، شفافیت گرایی؛ توجه به معیشت کارمندان؛ ترویج فرهنگ وظیفه شناسی؛ و احیای حس مسئولیت پذیری.

منابع

فارسی

- آقاپروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس و بهشتی‌نژاد، سید محمود (۱۳۸۳). مدیریت در اسلام. چاپ اول، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- اکبری، محمود (۱۳۷۶). اخلاق و احکام اداری. چاپ اول، انتشارات شفق.
- انصاری، محمد علی (۱۳۸۷). ملک سلیمان (جلوه‌هایی از مدیریت در قرآن). چاپ سوم، مشهد، نشر بیان هدایت نور.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). چراغ راه انتخابات (نگاهی به سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر معظم انقلاب پیرامون انتخابات). چاپ دفتر فنی تولی، نشر آرمان گستر.
- بانکی‌پور، امیرحسین (۱۳۹۴). قانون گذاران: ۱۱۰ ویژگی و وظیفه نمایندگان مجلس از دیدگاه رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی. چاپ سوم، اصفهان، نشر حدیث راه عشق.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۸۴). اصول علم و سیاست. چاپ سوم، تهران: انتشارات آوای نور.
- پروفیسور گانتانا موسکا و دکتر گاستون بوتو (۱۳۷۷) تاریخ عقاید و مکتبهای سیاسی از عهد باستان تا امروز، مترجم: حسین شهیدزاده تهران: مروارید، ص ۴۶۴.
- خالقی، علی (۱۳۸۱). مشروعیت قدرت از دیدگاه امام (س). چاپ اول، انتشارات ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (س) (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)).
- ری شهری، محمد محمدی (۱۳۹۲). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، جلد سوم، نشر دارالحدیث، چاپ سیزدهم.
- سها، نادر (۱۳۸۹). مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، تهران: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، چاپ اول.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۴)، آیین زندگی (اخلاق کاربردی). چاپ یازدهم، دفتر نشر معارف، قم.
- شفیعی سروسستانی، ابراهیم (۱۳۸۵). قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌ها و بایسته‌ها. چاپ اول، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا). المحججه البيضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ج ۳، ص ۳۳۴.
- کلهر، منوچهر (۱۳۸۳). مقدمات رفتار اداری (تکریم ارباب رجوع). چاپ اول، انتشارات حدیث امروز.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۹). حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران. ج هفتم، چاپ اول، انتشارات سروش.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). جواهر الکلام، ج ۲۲، نشر دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ص ۴۸۰ و ۴۸۱.
- هاشمی، محمد (۱۳۷۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، چاپ سوم، نشر دادگستر.
- هاشمی، محمد (۱۳۷۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول (اصول و مبانی کلی نظام)، چاپ دوم، نشر دادگستر.
- هزاه ئی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۶-۱۳۵۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی به همراه نظرات شورای نگهبان، تهران، انتشارات محسن، چاپ اول، ص ۲۰.

مقالات:

- اکبری دستک فیض الله و سعیدی نرگس (۱۳۹۳). راهبردهای اصلاح رفتارهای اقتصادی با تأکید بر بازخوانی آموزه های اقتصاد اسلامی در حکومت علوی. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۱(۳۰): ۱۹-۴۹.
- ایزدی فرد، علی اکبر و علیزاده، امیرمحمد (۱۳۹۵). بررسی فقهی و حقوقی احتکار در تجارت الکترونیک. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۹(۱): ۱۷-۳۱.
- باقری چوکامی، سیامک و حسینی، حسین (۱۳۹۴). نقش اخلاق سیاسی در استحکام بخشی بعد سیاسی ساخت درونی قدرت. آفاق امنیت، ۸(۲۸): ۵-۳۳.
- بخشایشی اردستانی احمد (۱۳۷۴). بنیادگرایی: مفهومی غیرمنطبق بر واقعیت در توصیف دولت اخلاقی شیعه. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۱(۱): ۹-۲۵.
- پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر (۱۳۸۹). ویژگی ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه. پژوهش نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱(۲): ۲۱-۴۲.

- جعفری، سیاوش (۱۳۸۵)، الزام سیاسی در آمدی بر مبانی اخلاقی روابط متقابل فرد و دولت. حقوق و سیاست، ۸(۲۱): ۱۸۳-۲۰۸.
- خان محمدی، هادی و کشاورزبان، محمدمهدی (۱۳۹۴)، اخلاق کارگزاران از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی. همایش ملی اهداف و راهبردهای پیشرفت ملی از منظر قرآن و حدیث.
- راعی، مسعود و فلاح سلوکلابی، محمد (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام، حکومت اسلامی، ۱۶(۱): ۱۱۱-۱۴۰.
- رضایی، قدرت‌الله (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران از منظر نهج البلاغه. پژوهشی در اخلاق، ۹(۷۸): ۷۷-۸۶.
- شریفی، محمد و فائق، مجتبی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اخلاقی کارگزاران حکومت دینی در نهج‌البلاغه، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۴(۱۵): ۱-۲۰.
- شبیبانی، محمد (۱۳۹۳). اخلاق و سیاست در قرآن و نهج البلاغه. سرای معرفت و اخلاق، ۱۹۴.
- صفدری، مهدی و جفره، مریم (۱۳۹۴). اخلاق در اقتصاد اسلامی و قانون جمهوری اسلامی ایران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۱، ۳۵-۸۲.
- صمیمی، سید رشید (۱۳۸۹). اخلاق کارگزاران و آسیب‌شناسی نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله. همایش اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (س)، تهران، ۱۷۵-۲۰۰.
- مسعودی، جهانگیر و ساداتی زاده سیدسجاد (۱۳۹۴) رابطه اخلاق و سیاست فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دهم، شماره ۳،
- مشکوری، حامد و صدرا، علیرضا (۱۳۹۵). راهبردهای اخلاق سیاسی در اسلام، علوم سیاسی، ۱۹(۷۴): ۱۴۱-۱۵۷.
- مفتاح، محمدهادی (۱۳۸۷)، اخلاق سیاسی در رفتار پیامبر(ص)، علوم حدیث، دانشگاه قم، دوره ۱۳، ۲(۴۸): ۱۰۲-۱۲۸.
- موسوی بجنوردی، سید محمد و مهدیان کرانی، افسانه (۱۳۹۴). نقش زمان و مکان در تعمیم مصادیق احتکار با رویکردی به آرای امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، ۱۷(۶۹): ۷۲-۵۳.

- میرزایی، ا؛ احمدی، ی؛ بخارایی، ا و نایی، ه (۱۳۹۶). قانون گریزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز). جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۳): ۱۰۳-۱۳۰.
- میرسپاسی ناصر؛ متقی محمد حسین و سلاجقه سنجر (۱۳۸۸). بررسی میزان عوامل مرتبط با کنندی تسری نظام مدیریت کیفیت جامع در پیکره بخش دولتی ایران. پژوهش های مدیریت، شماره ۸۱: ۷۱-۸۶.
- میرفردی، اصغر؛ مختاری، مریم؛ فرجی، فروغ و دانش پذیر، هومان (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون گریزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج). پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۴(۲): ۱-۲۰.
- وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۷)، نمایی کلی از سیاست اخلاقی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۴(۱۲): ۷۷-۱۰۰.
- ورکشی، حمید رضا (۱۳۹۲). آسیبهای اخلاقی قدرت سیاسی در نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱(۳): ۱-۱۴.

انگلیسی

- Aminzade, R. (۲۰۱۵). The Political Economy of Administrative Corruption: Boundary Politics in Post-Colonial Tanzania. *International Journal of Political Science and Development*, ۳(۲), ۸۵-۱۰۰.
- Mousavi, P., & Pourkiani, M. (۲۰۱۳). Administrative corruption: Ways of tackling the problem. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, ۲(۳ (s)), pp-۱۷۸.
- Smith, K. B., Alford, J. R., Hibbing, J. R., Martin, N. G., & Hatemi, P. K. (۲۰۱۷). Intuitive ethics and political orientations: Testing moral foundations as a theory of political ideology. *American Journal of Political Science*, ۶۱(۲), ۴۲۴-۴۳۷.

- Thompson, D. F. (۲۰۱۸). Political Ethics. In International Encyclopedia of Ethics, ed. Hugh LaFollette. Oxford UK: Wiley-Blackwell.